

Multiplicity of Identity: Challenges and Opportunities of Immigration in Jhumpa Lahiri's *Unaccustomed Earth*

چندگانگی هویت: چالش‌ها و فرصت‌های مهاجرت در «خاک غریب» اثر

جومپا لاهیری

فرانک شاهمرادی

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی،

بروجرد، ایران

بهمن زرین جویی (نویسنده مسئول)

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران.

لیلا برادران جمیلی

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران.

چکیده

عصر جهانی شدن، فراملی‌گرایی و تغییرات اجتماعی-فرهنگی موجب بروز چندگانگی هویت در ادبیات دیاسپورایی قرن بیست و یکم شده است. مفهوم هویت با پیچیدگی‌ها و ظرایف ذاتی خود، همواره موضوعی مورد بررسی و کنکاش در مطالعات فرهنگی بوده است. جومپا لاهیری یکی از صدای‌های قوی هویت چندگانه هندی در آمریکا است. وی در دومین مجموعه داستان خود، «خاک غریب» (۲۰۰۸)، به بررسی چندگانگی هویت افرادی می‌پردازد که درگیر چالش میان فرهنگ، خانواده و جامعه می‌باشند. این مقاله با استفاده از دیدگاه‌های نظری استوارت هال و مایکل رایان، به بررسی چگونگی تجربه چندگانگی هویت در خاک غریب

^۱Diasporic Literature

^۲Jhumpa Lahiri

^۳*Unaccustomed Earth*

^۴Stuart Hall

^۵Micvael Ryan

اثر لاهیری پرداخته و از طریق تحلیل دقیق برخی از روایت‌ها، به تبیین تعامل پیچیده میان پیشینه‌ی شخصیت‌ها، محیط‌های فرهنگی جدید و احساس پیچیدگی هویت آن‌ها می‌پردازد. در انجام این واکاوی، نقش شخصیت‌های لاهیری در چگونگی رویارویی با تنش‌های موجود میان میراث فرهنگی بنگالی و هنجارهای فرهنگ غربی مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، مهاجرت فرصت‌هایی را برای شروع زندگی جدید، آموزش و بهبود وضعیت اقتصادی فراهم می‌کند، اما همزمان با تنش‌هایی نیز همراه است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش‌های بنیادین است که این چالش‌ها و فرصت‌ها کدامند، در چه حوزه‌هایی اتفاق افتاده‌اند و لاهیری چگونه این چالش‌ها و فرصت‌ها را به تصویر کشیده است؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که چگونه هویت‌های چندگانه، باعث ایجاد چالش‌ها و فرصت‌های بسیاری در مهاجرت می‌شوند که آگاهی از آن برای جوامع جهانی بسیار حائز اهمیت است.

واژگان کلیدی: چندگانگی هویت، خاک غریب، چالش، فرصت، جومپا لاهیری، مهاجرت

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر و در عصر جهانی شدن و تحولات عمیق اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قرن بیست و یکم، موج گسترده مهاجرت و شکل‌گیری جوامع چندفرهنگی به پدیده‌ای فزاینده تبدیل شده است. پدیده مهاجرت و تجربه زندگی در جوامع چندفرهنگی، چالش‌های مهاجرت و مهاجرپذیری و پذیرش هویت‌های چندگانه را به یکی از مباحث بنیادی تبدیل کرده است. در این میان، ادبیات مهاجرت (ادبیات

دیاسپورا) به عنوان شاخه‌ای مهم در ادبیات جهان ظهور کرده است. نویسندگان چندفرهنگی در آثار خود به موضوع مهاجرت پرداخته و تصاویر متنوعی از نسل‌های مختلف مهاجران را ارائه می‌دهند. یکی از صدای‌های تأثیرگذار در این زمینه، جومپا لاهیری، نویسنده هندی-تبار آمریکایی است. لاهیری در آثارش به موضوع چندگانگی هویت افراد مهاجر پرداخته و چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از آن را به تصویر می‌کشد. برای مثال، شخصیت‌ها تجربه‌ی چندفرهنگی متفاوتی در خاک غریب دارند. این تجربه‌ها چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای آن‌ها به همراه دارد و منجر به شکل‌گیری هویت‌های چندگانه می‌شود. در آثار لاهیری،^۲ مفاهیم هویت و مهاجرت درهم تنیده هستند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. شخصیت‌های داستان‌هایش با چالش‌های ناشی از میراث فرهنگی بنگالی و هنجارهای فرهنگی غربی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و در نهایت به هویتی چندگانه دست می‌یابند. لاهیری با پردازش دقیق شخصیت‌های داستان، به شناخت عمیق‌تری از تجربه‌های مهاجران در زمینه‌ی هویت‌های گوناگون دست می‌یابد.

مطالعات فرهنگی در خصوص مفهوم «دورگه یا چندرگه بودن» یکی از محورهای مهم در بررسی شکل‌گیری هویت‌های چندگانه در افراد مهاجر است. این رویکرد به بررسی پیچیدگی‌های هویت افرادی می‌پردازد که در میان دو یا چند فرهنگ قرار دارند. وقتی که فرد مهاجر با واقعیت‌های جدید فرهنگی و اجتماعی روبرو شود، او با تعارض‌های بین فرهنگ‌های مختلف که با هویت‌های متفاوت آمیخته شده‌اند، مواجه می‌شود. این تعارضات به عنوان منبع تحول و رشد هویتی برای افراد مهاجر شناخته می‌شوند. به عبارت دیگر، تعارضات و تناقضاتی که از شرایط دورگه یا چندرگه بودن نشأت می‌گیرند، فرصت‌هایی را برای شکل‌گیری هویت‌های چندگانه و

^۱Indian-American

^۲Multiplicity of Identity

^۳Cultural Studies

پیچیده‌تر ارائه می‌دهند. بنابراین، مزایای زندگی در محیط‌هایی با فرهنگ‌های مختلف برای افراد مهاجر، شامل گسترش هویت‌های چندگانه، پیچیده‌تر و عمیق‌تر است تا در بستر جوامع چندفرهنگی به تعامل موثرتر و بهتری پردازند.

مطالعات فرهنگی، حوزه‌ای میان‌رشته‌ای و گسترده است که علاوه بر تأثیر فرهنگ بر انسان‌ها، به بررسی تحولات و تغییرات فرهنگی، نحوه تأثیرگذاری رسانه‌ها، تکنولوژی، روابط اجتماعی، هنر، ادبیات، علم، معماری، فناوری و سایر ابعاد فرهنگی در جوامع مختلف می‌پردازد. همانگونه که کریس بارکر اذعان می‌دارد^۱ «مطالعات فرهنگی حوزه‌ای چندرشته‌ای و یا پسرشته‌ای است که مرز میان خود و دیگر موضوعات را کمرنگ می‌کند» (بارکر، ۲۰۰۸: ۴۲). این حوزه شامل انواع ارزش‌ها، باورها، عادات، سنت‌ها و نگرش‌ها در یک جامعه است و تأثیرات آن‌ها را بر رفتار و تصمیمات افراد و گروه‌ها بررسی می‌کند. مطالعات فرهنگی به شناخت و درک تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی در جوامع مختلف کمک می‌کند. این امر در دنیای امروز که با موج افزایش مهاجرت و شکل‌گیری جوامع چندفرهنگی روبه‌رو است، بسیار مهم است. یکی از اهداف این حوزه بررسی تأثیرات متقابل فرهنگ و عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و مفاهیمی چون هویت، تمایز، قدرت و تفاوت است. این موضوع درک ما را از چگونگی تحول فرهنگ‌ها عمیق‌تر می‌کند و به درک بهتر شکل‌گیری هویت‌های فردی و جمعی در میان تنوع فرهنگی کمک می‌کند. بنابراین، مطالعات فرهنگی نقش مهمی در فهم بهتر فرهنگ‌ها، تعاملات انسانی، و آینده جوامع به‌عنوان یکپارچه‌ترین عنصر زندگی انسانی ایفا می‌کند.

جو مپالا هیری، با نام اصلی نیلانجانا سودشنا لاهیری، متولد ۱۱ جولای ۱۹۶۷ در لندن انگلستان است. وی یکی از نویسندگان برجسته مهاجر هندی آمریکایی معاصر است که به خاطر آثار داستانی پر فروش و تأثیرگذارش، از جمله داستان‌های

^۱ Chris Barker

^۲ Nilanjana Sudeshna

کوتاه و رمان، شناخته شده است. لاهیری نخستین مهاجر هندی است که جایزه پولیتزر را دریافت کرده است^۱ و به دلیل محبوبیت جهانی آثارش، موفقیت چشم‌گیری کسب کرده است، همچنین از سوی مخاطبان و منتقدان به گرمی پذیرفته شده است. لاهیری در سال ۱۹۸۹ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ادبیات انگلیسی از دانشگاه کلمبیا شد، سپس وارد دانشگاه بوستون شد و در آنجا تحصیلات خود را در سه رشته زبان انگلیسی، نویسندگی خلاق و ادبیات و هنرهای تطبیقی ادامه داد. وی در سال ۱۹۹۷ مدرک دکترای مطالعات رنسانس خویش را از همین دانشگاه دریافت کرد. اولین اثرش در مجموعه‌ای به نام «مترجم دردها»، در سال ۲۰۰۰ چاپ شد و در سال ۲۰۰۳ رمان «همنام» را منتشر کرد. این رمان به موضوع هویت شخصی و کشمکش‌های ناشی از مهاجرت پرداخته و روابط یک خانواده‌ی مهاجر بنگالی در ایالات متحده را بررسی می‌کند. یکی از مهم‌ترین آثار لاهیری، مجموعه داستان خاک غریب سومین کتاب و دومین مجموعه داستان کوتاه وی است که جوایز متعددی دریافت کرد. او در سال ۲۰۰۵ به سمت نایب‌رئیس مرکز آمریکایی (PEN) منصوب شد، سازمانی که برای ترویج دوستی و همکاری فکری میان نویسندگان فعالیت می‌کند. همچنین در فوریه ۲۰۱۰، لاهیری به عضویت کمیته هنر و علوم انسانی درآمد. در سال ۲۰۱۴ وی مدال ملی علوم انسانی را از باراک اوباما دریافت کرد.

پیشینه‌ی خانوادگی لاهیری نشان می‌دهد که سفر به کشورهای مختلف و آمیختگی فرهنگ‌ها ناشی از جهانی‌شدن است. مرزها دیگر مانع تعریف هویت ثابت نیستند و این امر موجب شکل‌گیری هویت‌های چندگانه شده است. روایاتش

^۱Pulitzer Prize

^۲Columbia University

^۳Boston University

^۴*Interpreter of Maladies*

^۵*The Namesake*

^۶Barack Obama

چندگانگی هویتی را به تصویر می‌کشند که چالش‌ها و فرصت‌های مهاجرت را از طریق رویارویی با فرهنگ‌های متنوع منعکس می‌کنند. در مورد هویت لاهیری مناقشات زیادی وجود دارد - آیا او بنگالی، هندی، آسیایی-آمریکایی یا آمریکایی است؟ این نشان می‌دهد که وی از هویتی چندگانه برخوردار است و این ویژگی را در شخصیت‌های آثارش به نمایش می‌گذارد. راشل تروسدیل معتقد است که داستان لاهیری «مبتنی بر تمایل مشترک برای گذر از پیشینه‌های فرهنگی است، نه صرفاً بر اساس محل پیشینه‌ی آن‌ها» (تروسدیل، ۲۰۱۰: ۱۹۴). بنابراین، شخصیت‌هایش از سنت‌های فرهنگی خود فراتر رفته و همزمان تجربیات جدیدی را کشف می‌کنند. داستان‌هایش بستری برای بررسی تجربیات متفاوت افرادی است که در چهارچوب‌های فرهنگی متنوع، هویت‌های چندگانه دارند. وی در آثار داستانی خود علاقه‌مند به تصویرسازی چالش‌ها و موفقیت‌های نسل اول و دوم مهاجران هندی، با تأکید بر نسل دوم بود، زیرا خودش نماینده این نسل است. آشفتگی ذهنی، عاطفی و اجتماعی مهاجران هندی، نتیجه زندگی در مکان‌ها، فرهنگ‌ها، سنت‌ها، زبان‌ها و مجموعه‌ای از ارزش‌های مختلف است.

این مقاله، با استفاده از داستان‌های منتخب لاهیری، چالش‌ها و فرصت‌های مهاجرت را بررسی می‌کند تا نشان دهد چگونه این مسائل در قلمرو داستانی وی و دنیای جهانی‌شده وسیع طنین‌انداز می‌شوند. نویسندگان، با بهره‌گیری از نظریات مطالعات فرهنگی استوارت هال و مایکل رایان، به تبیین تعامل پیچیده میان پیشینه‌های بنگالی شخصیت‌ها، محیط‌های فرهنگی جدید و احساس پیچیدگی هویت آن‌ها پرداخته‌اند. هدف اصلی، کشف چالش‌ها و فرصت‌های متنوعی است که از چندگانگی هویت ناشی می‌شود. تحلیل داستان‌ها نشان می‌دهد که مهاجرت چالش‌ها و فرصت‌های بسیاری را در بطن خود دارد. مفهوم هال از هویت، متأثر از

زمینه‌های تاریخی و اجتماعی است که ادعای رایان را منعکس می‌کند که فرهنگ توسط جهان اطراف ما شکل می‌گیرد و آن را شکل می‌دهد. دیدگاه‌های این دو متفکر، بینش‌های ارزشمندی را برای هدایت چالش‌های فرهنگی در چندگانگی هویت ارائه می‌دهند. این مطالعه به سوالات زیر پاسخ می‌دهد: چگونه داستان‌های لاهیری چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با چندگانگی هویت را در مهاجران بررسی می‌کنند؟ چگونه دیدگاه‌های نظری هال و رایان به درک تأثیر متقابل پیچیده بین پیشینه‌های فرهنگی شخصیت‌ها و محیط‌های جدید کمک می‌کند؟ چالش‌ها و فرصت‌های خاص مرتبط با چندگانگی هویت در داستان‌های لاهیری کدامند؟ چگونه بازنمایی‌های ادبی از این مسائل، بینش‌های ارزشمندی برای درک پیچیدگی‌های جوامع چندفرهنگی ارائه می‌دهد.

۲. پیشینه پژوهش

آثار لاهیری از زوایای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. منتقدان و محققان با رویکردها و روش‌های گوناگون به مطالعه داستان‌های وی پرداخته‌اند. در این میان، خاک غریب یکی از شاخص‌ترین آثار ادبی اوست که توجه بسیاری را به خود جلب کرده‌است. این پژوهش‌ها شامل موضوعاتی از قبیل ازدواج، استعمار و پسااستعمار، افسردگی و نوستالژی، آگاهی دیاسپورایی، خانواده، روان زخم، دیگری فرودست، تعلق فرهنگی و تجربه مهاجرت، ترومای استعمارزدایی، جابجایی، چند صدایی، روابط والد و فرزندی، روابط زناشویی، فضاهای فرامرزی، فمینیسم و هویت‌های منزوی می‌شوند.

کتاب «نامگذاری جومپا لاهیری: قوانین و مناقشات»^۱ (۲۰۱۲) که توسط لاونیا دینگرا و فلویید چونگ ویرایش شده است، نگاهی چندوجهی به آثار ادبی لاهیری ارائه می‌دهد. نه مقاله این مجموعه ماهیت چندلایه بودن داستان‌های لاهیری را نشان می‌دهند و دسته‌بندی‌های سطحی را به چالش می‌کشند. دینگرا و چونگ تأکید می‌کنند، این مقاله‌ها بر «هر دو بعد جهانی تجربیات انسانی تمرکز دارند» (xii). این ماهیت بینامتنی و بین‌فرهنگی روایت‌های لاهیری به تخصیص آثارش در قالب قوانین ادبی از پیش تعریف شده کمک می‌کند. فصول کتاب، تحلیلی تاریخی از شرایط پسااستعماری و مالیخولیای فراگیر جامعه آسیایی-آمریکایی ارائه می‌دهند.

امید ورزنده و سید رضا ابراهیمی در مقاله‌ای تحت عنوان «مقایسه تطبیقی شکل‌گیری هویت تراملی زن شرقی مهاجر در آثار جومپا لاهیری و مهرنوش مزارعی از دیدگاه هومی بابا» (۱۳۹۱)، به بررسی چگونگی شکل‌گیری هویت فراملی (هویت تراملی) در آثار داستانی دو نویسنده زن معاصر ایرانی (مهرنوش مزارعی) و بنگالی (جومپا لاهیری) می‌پردازد. آن‌ها با استفاده از نظریه پسااستعماری هومی بابا، تأثیر فرآیند مهاجرت بر هویت شخصیت‌های زن در آثار این دو نویسنده را تحلیل می‌کنند. نویسندگان اذعان می‌کنند که مهاجرت منجر به پذیرش هویت جدیدی به نام "هویت تراملی" یعنی هویت بینابینی در زنان مهاجر شرقی ساکن در غرب می‌شود. آن‌ها در این پژوهش بررسی می‌کنند که چگونه این هویت تراملی، عناصر هویت ملی و فرهنگی این زنان را در خود جای داده یا به چالش کشیده است. هدف نهایی نویسندگان این است که به درک عمیق‌تری از چگونگی تأثیر فرآیند مهاجرت بر هویت زنان شرقی مقیم غرب دست یابند.

^۱Naming Jhumpa Lahiri: Canons and Controversies

^۲Lavina Dhingra

Floyd Cheung

مقاله پوجا جوشی با عنوان «چند صدا اینجا وجود دارد؟ مطالعه‌ای بر آثار داستانی جومپا لاهیری» (۲۰۱۳)، به بررسی روایت‌های داستان‌های کوتاه لاهیری با استفاده از نظریه میخائیل باختین در مورد گفتمان کلامی به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی و چندصدایی می‌پردازد. هدف جوشی بررسی رابطه بین زبان، فرهنگ و هویت فرهنگ‌پذیری در بستر جامعه‌ی مهاجرتی است. وی زبان داستان‌های کوتاه لاهیری را بررسی و از رویکرد سبکی خاصی برای کاوش و تحلیل زبانی استفاده می‌کند که نقش قابل توجهی در مهاجرت دارد. جوشی بیان می‌کند که در روایات لاهیری، شخصیت‌ها دارای صداهاى مختلفی هستند و لاهیری از ترکیب روایت اول شخص و سوم شخص استفاده می‌کند تا نشان دهد که فرآیند ساخت خود پیچیده منحصر به فردی است. همچنین، نویسنده معتقد است که استفاده از روایت‌های اول شخص کمتر از سوم شخص است و این "پیروزی راهبرد تغییر" لزوماً بر تضاد بین صداها درباره وطن و مهاجرت نیست، بلکه بر تضاد درون صداها درباره سرزمین و مهاجرت است.

مقاله بهاره بهمن پورو امیرعلی نجومیان با عنوان «روایتی شبیح زده: بازنمایی روان زخم مهاجرت در سه گانه "هما و کاشیک" از مجموعه داستانی خاک غریب اثر جومپا لاهیری» (۱۳۹۶) به بررسی امکان و چگونگی بازنمایی ادبی روان زخم مهاجرت با استفاده از ادبیات دیاسپوریک می‌پردازد. بهمن پورو و نجومیان درباره‌ی استعاره "مادر مرده" که محور اصلی هر سه داستان را تشکیل می‌دهد اذعان می‌دارند که این استعاره نه تنها روان زخم مهاجرت را در کنش‌ها و واکنش‌های بین‌نسلی شخصیت‌ها بازنمایی می‌کند، بلکه ویژگی‌های اصلی آن همچون "کنش معوق" و "تکرار وسواس گونه" را نیز در ساختار داستان‌ها به اجرا درمی‌آورد. با گسترش این

^۱Pooja Joshi
^۲Mikhail Bakhtin
"Trilogy of "Hema and Kaushik"

استعاره مرگ مادر و ضرورت انجام فرآیند سوگواری معوق برایش، لاهیری سوژه مهاجر نسل دوم را به عنوان سوژه‌ای در آستانه سوگواری معرفی می‌کند. نویسندگان این مقاله اذعان می‌دارند که به گمان کتی کروت «روان زخم هیچ وقت بطور کامل متعلق به خود شخص نیست؛ ما در روان زخم یکدیگر سهیم‌ایم» (کروت، ۱۹۹۶: ۲۴). این سوژه از منظر روانی، با پذیرش خلا و جدایی از سرزمین مادری دچار مشکل است. وی که سال‌ها پس از گسست از سرزمین مادری متولد شده، تنها وارث حس فقدان و نگهبان سردابه‌ای از سرزمین غایب اما همیشه حاضری است که از والدینش به ارث برده است. بنابراین او باید پروسه فرا نسلی سوگواری برای فقدان سرزمین مادری را به پایان برساند. این پروسه چالش برانگیز و زجرآور است و به دلیل مکانیزم‌های دفاعی سوژه مهاجر، مختل شده و او را وارد چرخه معیوب تکرار و برون‌ریزی می‌کند که گاه به وابستگی‌های وسواس گونه شدیدی منجر می‌شود که حتی ترک آن امکان‌پذیر نیست و این امکان را برای فرد ایجاد می‌کند که درد غربت خود را به تعویق انداخته و التیام بخشد.

کارین پریرا مارکز در رساله خود تحت عنوان^۱ «روایت‌های غریب: عبور از مرزهای جنسیتی در آثار جومپا لاهیری» (۲۰۱۳)، به تصویرسازی شخصیت‌های زن و مرد و تأثیر فضای دیاسپورا بر این شخصیت‌ها می‌پردازد. وی نشان می‌دهد که موانع جنسیتی در داستان‌های لاهیری بیشتر سیال هستند. مارکس بر نقش این شخصیت‌ها در فضای جدید تأکید می‌کند، جایی که تنوع فرهنگی باعث بازیگربندی هویت سوژه‌ها می‌شود. به همین دلیل، وی شخصیت‌های مرد و زن را تحلیل می‌کند تا متوجه تغییر وابستگی فرهنگ هندی از نسلی به نسل دیگر شوند. همچنین، بر پیامدهای تغییرات در زمان و مکان بر نقش‌های جنسیتی تمرکز دارد تا درک کند چگونه نقش‌های جدید برای مردان و زنان در فضای جدید بازیگربندی

^۱ Cathy Caruth

^۲Carine Pereira Marques

می‌شوند. داستان‌های لاهیری اغلب با تغییر دیدگاه روایی نگرانی‌های شخصیت‌های مرد و زن را بیان می‌کنند. بنابراین، امکان مشاهده رویدادی از دیدگاه‌های مختلف وجود دارد و شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی برای شخصیت‌های مرد و زن به فرآیندی درهم تنیده و پیوسته تبدیل می‌شود. اگرچه برخی ویژگی‌ها را به نسل‌های مختلف شخصیت‌ها نسبت می‌دهند، تحلیل این روایت‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها تصویرسازی‌های کلیشه‌ای از شخصیت‌های مرد یا زن را رد می‌کنند و حتی هر دو نسل را از طریق موضوع تباهی و تعلق به هم نزدیک می‌کنند.

خانم اکتا لادها، نویسنده و محقق هندی و استاد دانشگاه سن خوزه در کالیفرنیا، بر آثار نویسندگان هندی-آمریکایی مانند جومپا لاهیری تمرکز دارد و به بررسی نحوه بازنمایی هویت، تعلق فرهنگی و تجربه مهاجرت در این آثار می‌پردازد. لادها در مقاله‌اش تحت‌عنوان «مطالعه دیاسپورایی از هویت‌های منزوی در کتاب خاک غریب نوشته جومپا لاهیری» (۲۰۲۱)، گوشزد می‌کند که نقطه قوت لاهیری در تصویرسازی نهفته است. غلبه بر احساس دیگری بودن در فرهنگ بیگانه باعث می‌شود که هویت‌های منزوی دیاسپورایی نه در ایدئولوژی‌های هندی والدین خود احساس راحتی کنند و نه خود را با سبک زندگی آمریکایی همگام سازند. والدین در دنیای لاهیری، انتظار دارند که فرزندانشان از لحاظ مادی پیشرفت کنند، ولی پیشینه‌ی فرهنگ هندی خود را نیز حفظ کنند. اما چالش‌ها و مشکلات در مواجهه با فرهنگ آمریکایی آن‌ها را متقاعد می‌کند که شهروندان جهانی دیگر هستند. در اینجا هویت‌ها شکل می‌گیرند، محو می‌شوند و دوباره به وجود می‌آیند، و هر شخصیت باید نسخه منحصر به فرد خود را بسازد. مهاجران چنان در تنگنای دو فرهنگ متفاوت قرار دارند که هرگز به دایره‌ای واحد تبدیل نمی‌شوند، زیرا شخصیت‌ها مابین دنیای کهن هند و دنیای نوین آمریکا قرار دارند.

^۱ Ekta Laddha

^۲ San Jose University

این پژوهش با کاوش عمیق در چالش‌ها و فرصت‌های فرهنگی مهاجرت در اثر خاک غریب لاهیری، به فهم چگونگی تأثیر این عوامل بر چندگانگی هویت افراد می‌پردازد. هدف درکی از نحوه تعامل اشخاص با پیشینه‌های فرهنگی متفاوت و چگونگی مدیریت چندگانگی هویتی در آنان است. با تحلیل عمیق این موضوع، این مطالعه در پی تبیین تأثیر عمیق چالش‌ها و فرصت‌های مهاجرت بر چندگانگی هویت شخصیت‌های داستان در مجموعه خاک غریب است. این تحقیق نشان می‌دهد که افراد چگونه بین ریشه‌های فرهنگی خود و محیط جدید در نوسان هستند و این مهم چگونه بر شکل‌گیری تدریجی احساس تعلق و هویت آنان تأثیر می‌گذارد. با تفحص در تصویرسازی ظریف لاهیری از تجربه مهاجرت، این پژوهش امیدوار است که به درک عمیق‌تری از پویایی‌های پیچیده شکل‌گیری و دگرگونی هویت فرهنگی در بستر جابه‌جایی‌های فرامرزی کمک کند. یافته‌های این مطالعه بینش‌هایی را برای بحث‌های مربوط به تنوع، یکپارچگی و تجربه افراد مهاجر و بازآفرینی زندگی فراهم می‌آورد.

این پژوهش با بررسی چالش‌ها و فرصت‌های مهاجرت در آثار لاهیری، با تمرکز بر چندگانگی هویت، به تکمیل شکاف موجود در ادبیات می‌پردازد. هدف این مطالعه، ارائه درکی درست از نحوه تعامل مهاجران با پیشینه‌های فرهنگی متنوع و چندگانگی هویتی است که در روایت‌های لاهیری به تصویر کشیده شده است. از این‌رو تحقیق حاضر سعی بر این دارد تا تأثیر چالش‌ها و فرصت‌های مهاجرت در رابطه با خاک غریب لاهیری را عرضه کند.

۳. چهارچوب نظری پژوهش: نظریه مطالعات فرهنگی

مهاجرت به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین مسائل دنیای معاصر، با پدیده جهانی شدن، مرزها را پیوسته زیر سؤال می‌برد. این پدیده تأثیرات عمیقی بر مفهوم هویت افراد و

جوامع داشته است. در دنیای امروز، با افزایش قابل توجه جریان‌های مهاجرتی، مفهوم هویت دستخوش تغییرات بنیادی شده است. افراد و گروه‌های مهاجر در معرض تعامل با فرهنگ‌ها و سنت‌های متفاوت قرار می‌گیرند و این امر موجب شکل‌گیری هویت‌های چندگانه در آن‌ها می‌شود. هویت به معنای ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فرد یک فرد، گروه یا جامعه است که آن‌ها را از دیگران متمایز می‌کند. مفهوم هویت، که همواره موضوعی کلیدی در حوزه مطالعات فرهنگی بوده است، در عصر جهانی شدن و تغییرات اجتماعی-فرهنگی، به ویژه در ادبیات دیاسپورایی، با چندگانگی و پیچیدگی بیشتری مواجهه شده است. نظریه پردازان مطالعات فرهنگی همچون استوارت هال (۱۹۳۲-۲۰۱۴) و مایکل رایان (-۱۹۴۶) به بررسی مفهوم هویت و چگونگی شکل‌گیری آن در بافت‌های فرهنگی متفاوت پرداخته‌اند. هال هویت را امری پویا و در حال تحول می‌داند که در تعامل با گفتمان‌های فرهنگی شکل می‌گیرد. از نظر وی، هویت فرد امری ثابت و تغییرناپذیر نیست، بلکه همواره در حال تغییر و بازسازی است. مایکل رایان نیز هویت را مفهومی چندگانه و پیچیده می‌داند که تحت تأثیر عوامل مختلفی از قبیل مسائل اجتماعی، فرهنگی و تاریخی شکل می‌گیرد.

مطالعات فرهنگی، حوزه‌ی میان رشته‌ای گسترده و چندلایه‌ای است که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم ظهور کرده و رویکردی خاص برای تحلیل فرهنگی ارائه می‌دهد. این حوزه شامل نظریه‌ها، نقدها، روش‌شناسی‌ها و تفاسیر از حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی است. مطالعات فرهنگی چگونگی ایجاد، حفظ، اشتراک و تأثیرگذاری هویت در مورد ساختارهای اجتماعی و عواملی مانند طبقه، قومیت، مکان، جنسیت، قدرت، نژاد، ایدئولوژی و ملیت را مورد بررسی قرار می‌دهد. این حوزه همچنین پیچیدگی‌های هویت را در زمینه‌های فرهنگی مختلف مطالعه و چگونگی ایجاد چندگانگی هویت در بستر ساختارهای اجتماعی پیچیده را درک

می‌کند. مفهوم فرهنگ، هویت و قدرت در مطالعات فرهنگی گسترده و چندلایه است. نظریه پردازانی چون هال، گرامشی و فوکو به بررسی رابطه این لایه‌ها و معانی آن‌ها پرداخته‌اند. هال نیز به تحلیل قدرت و دانش در جوامع مدرن و نقش آن‌ها در شکل‌گیری فرهنگ و هویت از دیدگاه گرامشی و فوکو پرداخته است.

نوشته‌های هال در مرکز مطالعات فرهنگی معاصر (CCCS) در بیرمنگام درباره هویت، نژاد، قومیت و دیاسپورا، همراه با تفسیر و ارزیابی مجدد وی از فرهنگ، منجر به طرح پرسش‌های چالش‌برانگیزی درباره هویت در نیمه دوم قرن بیستم شدند. ساخت هویت دیاسپورایی فرآیندی چندوجهی است که تحت تأثیر عوامل تاریخی، سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرد. این عوامل به طور همزمان در تعیین هویت‌های دیاسپورایی نقش به‌سزایی دارند. هال در مقاله‌ی «تفکر در دیاسپورا»، نشان داده‌است که «در شرایط دیاسپورا، هویت‌ها چندگانه می‌شوند» (هال، ۱۹۹۹: ۱۶). هویت دیاسپوریک از مرزهای دولت-ملت فراتر می‌روند. این تخطی با ترسیم مرزی در اطراف دیاسپورا محقق می‌شود. بنابراین شناخت هویت دیاسپوریک اهمیتی خاص دارد. هال نشان می‌دهد که چگونه مهاجران بر اساس هویتشان شناخته می‌شوند.

مهاجران با هدف تطبیق خود با محیط جدید، استراتژی‌هایی را اتخاذ می‌کنند تا به‌عنوان شهروندان جدید این سرزمین شناخته شوند و خواسته‌ها و جاه‌طلبی‌های خود را دنبال نمایند. هال در مقاله «نژاد، دال شناور»، موضوع هویت دیاسپورایی را بررسی می‌کند که: «چون هویت دیاسپورایی نسبی است و ذاتی نیست، هرگز به طور قطعی تثبیت نمی‌شود، بلکه همواره در معرض فرآیند پیوسته بازتعریف و تملک قرار دارد [...] یعنی معنادار شدن به طرق متفاوت در فرهنگ‌های گوناگون، در تشکیلات تاریخی متفاوت و در لحظات مختلف، تأثیر می‌پذیرد» (هال، ۱۹۹۶: ۸). هویت دیاسپورایی آن‌ها پیچیده است؛ زیرا شامل سازماندهی و مشارکت در فعالیت‌های

اجتماعی و سیاسی در ارتباط با روابط میان کشور مبدأ و کشور میزبان و تأثیر تنوع بر این هویت می‌باشد.

مطالعات فرهنگی به چگونگی ساخت و مذاکره هویت توسط افراد و گروه‌ها، و نحوه درک آن‌ها از خود می‌پردازد. هال در «هویت فرهنگی و دیاسپورا» بر مسائل هویتی تمرکز دارد. وی چنین استدلال می‌کند که «هویت آنطور که ما فکر می‌کنیم شفاف یا بدون مشکل نیست. او پیشنهاد می‌دهد به جای اندیشیدن به هویت به‌عنوان واقعیتی از پیش تعیین شده، باید آن را به‌عنوان محصولی در حال تکوین و ناتمام در نظر گرفت که هرگز کامل نیست و همیشه در جریان است» (۲۲۲). مفهوم هویت از دیدگاه هال، تحت تأثیر زمینه‌های تاریخی و اجتماعی است. این دیدگاه، ادعای رایان را منعکس می‌کند که فرهنگ توسط جهان اطراف ما شکل می‌گیرد و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

دیدگاه‌های هال و رایان، بینش‌های ارزشمندی را در مورد تغییرپذیری هویت ارائه می‌دهند. آن‌ها درباره سیال بودن هویت، چالش‌های چندفرهنگی و تأثیر عوامل تاریخی و اجتماعی بر شکل‌گیری آن، به ویژه در زمینه چالش‌ها و فرصت‌های مهاجرت بحث می‌کنند. هال فرهنگ را با هویت پیوند داده و معتقد است فرهنگ هویت مهاجران را شکل می‌دهد. از دیدگاه وی، دوره برای درک هویت وجود دارد. دیدگاه اولیه هویت فرهنگی را «بر پایه فرهنگ مشترک، نوعی از خود واقعی جمعی، پنهان شده در درون بسیاری از خودهای دیگر، سطحی‌تر یا تحمیلی مصنوعی تعریف می‌کند، که افراد با تاریخ و اجداد مشترک در آن قرار دارند» (۲۲۳). اما هال معتقد است که هویت‌های فرهنگی از تاریخ بیرون آمده‌اند، دستخوش تغییراتی شده‌اند و در درون روایت‌های تاریخ و فرهنگ ساخته شده‌اند. وی بیان می‌کند که دیدگاه دوم با دیدگاه‌های گوناگون در مورد هویت فرهنگی نه تنها مرتبط بلکه مناسب‌تر است، زیرا

تمایزات قابل توجهی فراتر از شباهت‌های مورد توافق هست، که شخصیت امروزی آن‌ها را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، این تفاوت‌ها هویت افراد را تشکیل می‌دهند. مایکل رایان شخصیت (متفکر) معروفی در مطالعات فرهنگی است، که کتاب مطالعات فرهنگی: مقدمه‌ای کاربردی وی نمای کلی و کاربردی از این رشته را ارائه می‌دهد. آثارش درک افراد از فرهنگ و چگونگی شکل‌دهی آن به جوامع را افزایش داده است. این آثار ابزارهای ضروری علمی و آموزشی هستند که مروری جامع بر زمینه‌های مختلف مطالعات فرهنگی از فرهنگ سایبری گرفته تا موسیقی عامه‌پسند و رسانه‌های جدید را ارائه می‌کنند. رایان معتقد است که مطالعات فرهنگی حوزه‌ای بین‌المللی و رویکردی میان‌رشته‌ای است که ریشه در موضوعات مختلف دارد. این رشته، ساختارها و آداب و رسوم فرهنگی مختلف را بررسی کرده و افراد را قادر می‌سازد تا فرهنگ‌های گوناگون را تحلیل و ارزیابی انتقادی کنند. رایان اذعان می‌دارد که «با تخصیص نقش‌هایی به ما در نقاط مختلف زندگی، جهان به ما می‌گوید که ما چه کسی هستیم. هر یک از این نقش‌ها نسخه جدیدی از هویت را بر روی ما حک می‌کند، مجموعه جدیدی از قواعد و انتظارات برای تفکر، احساس و رفتار. در داخل هر یک از این نقش‌ها، ما بر اساس توانایی‌ها، استعدادها و تجربیات خود انواع متغیری از هویت را می‌سازیم» (۹۴). در فرآیند انطباق با جامعه جدید، شاید افراد بخشی از هویت‌های پیشین خود را کنار بگذارند، اما در عین حال هویت‌های جدیدی را نیز خلق می‌کنند.

رایان تأکید می‌کند که درک عمیق‌تری از چندگانگی هویت از طریق مشارکت فعال در محیط‌های فرهنگی مختلف به دست می‌آید. وی توضیح می‌دهد که: «جغرافیای فرهنگی به چگونگی قرار دادن معنا، سیاست و ایده‌ها در قالب فیزیکی مربوط می‌شود؛ زمانی که ما محیط فیزیکی را بازسازی می‌کنیم. به عبارت دیگر، تعامل میان فرهنگ انسانی و محیط فیزیکی همواره دوطرفه است و هر یک بر دیگری

تأثیر می‌گذارد» (۱۲-۱۳). این بیان، نشان‌دهنده رابطه متقابل بین فرهنگ انسانی و محیط فیزیکی است. هر جامعه در پاسخ به تأثیرات متمایز اعمال فرهنگی توسعه می‌یابد؛ به نوبه خود، این اعمال فرهنگی، چندگانگی هویت‌ها را ایجاد می‌کنند. بررسی رایان در مورد اینکه چگونه افراد هویت خود را در تأثیرات فرهنگی گوناگون هدایت می‌کنند، با تصویر لاهیری از چالش‌ها و فرصت‌های مهاجرت مطابقت دارد. رایان معتقد است «آنچه که ما را به‌عنوان موجودات فردی معرفی می‌کند - «هویت» ما - با فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم گره خورده است. اگر چه این چیزی خارج از ماست، اما فرهنگ از طریق چشم و گوش ما راه خود را به درون ما باز می‌کند» (۸۳). چندگانگی هویت چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای مهاجران به همراه دارد.. این مسئله نشان‌دهنده پویایی و تحول‌پذیری هویت در واکنش به محیط جدید و در عین حال فرصتی برای آفرینش هویتی غنی‌تر از ترکیب هویت اصلی و عناصر فرهنگی جدید نیز می‌باشد.

۴. چندگانگی هویت و چالش‌های آن در خاک غریب

چندگانگی هویت مشکل عمده‌ای است که همه مهاجران، صرف نظر از نسلی که به آن تعلق دارند، با آن روبرو هستند. لاهیری در آثارش به طرز ماهرانه‌ای به تجسم چندگانگی هویت در شخصیت‌های داستانی خویش می‌پردازد. وی این مسئله را از طریق کاوش در روابط خانوادگی، تعارض هنجارهای فرهنگی و کشش میان میراث فرهنگی بومی با فرهنگ میزبان بررسی می‌کند. سارا ای. گایثر معتقد است که «ما^۱ تک‌بعدی نیستیم و دارای چندین هویت اجتماعی همزمان هستیم که این هویت‌ها بر اساس شرایط و افراد مختلف، دچار تغییر و نوسان می‌شوند» (گایثر، ۲۰۱۸: ۴۴۳). لاهیری با این رویکرد، تجربه پیچیده و چندلایه افراد مهاجر را به تصویر می‌کشد که

^۱ Sarah E. Gaither

همواره در کشمکش میان هویت‌های چندگانه خود قرار دارند. وی به چالش‌های هویتی ناشی از زندگی در بین چند فرهنگ متفاوت می‌پردازد و چگونگی مواجهه شخصیت‌های داستانی با این تنش‌ها را واکاوی می‌کند. در واقع، لاهیری با خلق این فضای چند هویتی، به تجربه غنی و پرچالش افراد مهاجر می‌پردازد و توانایی آن‌ها را در حفظ هویت‌های متنوع خود در سیر تحول زندگی برجسته می‌سازد. این موضوع اهمیت تاثیرگذار چندگانگی هویت را در جوامع چندفرهنگی امروزی آشکار می‌کند. موضوع هویت‌های چندگانه به طرز هنرمندانه‌ای، در مجموعه آثار لاهیری تنیده شده است. «شخصیت‌های لاهیری درگیر تلاش برای ریشه‌دواندن در خاک غریب سرشار از انتظارات، وابستگی‌ها و وفاداری‌های متناقض هستند» (اختر، ۲۰۱۸: ۱۱۷). تجربه لاهیری از مواجهه با چالش‌های زندگی در کشور جدید کمک می‌کند تا تصویری از هویت‌های متفاوت که او و شخصیت‌های داستانی‌اش باید با آن کنار بیایند، ترسیم کند.

پیشینه شخصی لاهیری احتمالاً او را به استفاده از عنوان پیشگفتار در مجموعه آثارش ترغیب کرده است تا بر جایگاه خود به‌عنوان نویسنده هندی-آمریکایی تأکید کند. نام کتاب، از نقل قولی در داغ‌نگ اثر ناتانیل هاثورن گرفته شده تا بینامتنی در رابطه با ادبیات آمریکایی را نشان دهد: «آدمیزاد هم مثل سیب‌زمینی است، اگر نسل اندر نسل در همان خاک بی‌قوت بکارندش خوب رشد نمی‌کند. بچه‌های من هر کدامشان جایی به دنیا آمده‌اند و اگر سرنوشتشان دست من باشد، باید در خاک غریب ریشه بدوانند» (هاثورن، ۲۰۰۸: ۱۵). بی‌شک ذکر این عبارت هاثورن به راحتی بیان تلاش‌های خستگی‌ناپذیر لاهیری در داستان‌هایش، برای ترسیم تجربیات بنگالی‌های مهاجر و چندگانگی هویت فرزندان آن‌ها که در آمریکا متولد شده‌اند، می‌باشد. در واقع، بدان معناست که فرآیندی است که برای همیشه ادامه می‌یابد و با اینکه

^۱*The Scarlet Letter*

^۲Nathaniel Hawthorne

چالش‌های زیادی را به همراه دارد، اما فرصت‌های مطلوبی را نیز در زندگی کسانی که پا به سرزمین ناآشنا گذاشته‌اند، ایجاد می‌کند. چرا که این سرزمین متعلق به همه است و برای کسی آشنا نیست. همانطور که از ترکیب اندیشه‌ها و ایده‌ها با یکدیگر، تفکرات و مفاهیم متنوعی به وجود می‌آیند، با ادغام فرهنگ‌ها نیز، هویت‌های چندگانه‌ای به وجود می‌آیند. استون ورتوک اشاره می‌کند که در شرایط کنونی ارتباطات جهانی، برخی مهاجران «روابط خانوادگی، اجتماعی و سیاسی مختلفی را در کشور مبدأ، جامعه میزبان و سایر کشورها گسترش می‌دهند» (ورتوک، ۱۹۹۹: ۴۳۷). این مساله به خوبی در خاک غریب لاهیری نمایان است. لاهیری چندگانگی هویت خود را به رسمیت شناخته و در کانون ادبی آمریکایی ریشه دوانده است. این نکته حائز اهمیت است، زیرا نشان‌دهنده‌ی تلاش شخصیت‌های وی برای مواجهه با چندگانگی هویتشان است که ریشه در فرهنگ آمریکایی دارند.

این موضوع نه تنها نماد تجربه شخصی خویش به‌عنوان فردی مهاجر است، بلکه به‌طورکلی بازتابی از چالش‌های مهاجران در عصر جهانی شدن است. وی هویت چندگانه‌ای را ترسیم می‌کند که نیمه‌ای از آن در سرزمین مادری است که خاطراتی از گذشته را به همراه دارد. همانطور که چنگ و دینگرا اشاره کردند، استفاده لاهیری از نوشته‌های هائورن در آثار خود، نشانه‌ای از «اشتیاق او به دیده شدن به‌عنوان نویسنده‌ای که کاملاً در سنت ادبی آمریکایی می‌نویسد و نیز اعتماد به نفس او در جای دادن خود در جایگاه نویسندگان بزرگ آمریکایی است» (چنگ و دینگرا، ۲۰۱۲: ۵۵). این نشان می‌دهد لاهیری خواهان آن است که خود را به‌عنوان نویسنده-ای آمریکایی که در چهارچوب ادبیات آمریکا می‌نویسد، مطرح کند. وی به توانایی خویش در ایجاد جایگاهی برای خود در میان نویسندگان برجسته و پذیرفته شده در ادبیات آمریکا اعتماد دارد. از آنجایی که مهاجران به فرهنگ بومی خویش در سرزمین مادریشان عادت کرده‌اند، جذب فرهنگ جدید در کشوری خارجی همیشه برای

مهاجران، به ویژه، نسل دوم و سوم مهاجران که با فرهنگ‌های مختلف روبرو می‌شوند، بسیار دشوار بوده‌است. لاهیری مهارانه شخصیت‌هایی را ترسیم می‌کند که با هویت‌های چندگانه خود دست و پنجه نرم می‌کنند و بین سنت‌های بنگالی خود و فرهنگ‌های متفاوت آمریکایی گرفتار می‌شوند. حال استدلال می‌کند که «هویت‌ها همواره در حال تولید و بازتولید خود به شکلی جدید هستند و این امر از طریق تغییر و تفاوت صورت می‌گیرد» (۲۳۵). این بدان معناست که هویت ثابت و یکپارچه نیست، بلکه فرآیندی پویا و متغیر است. چندگانگی هویت نشان می‌دهد که هویت فرآیندی پیچیده و چندبُعدی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند فرهنگ، زمینه اجتماعی-اقتصادی، تجربیات زندگی و غیره قرار دارد. این موضوع به‌ویژه در مورد مهاجران و افرادی با پیشینه‌های فرهنگی متنوع از اهمیت بیشتری برخوردار است.

این چالش از طریق تضاد درونی روما در داستان اول مجموعه تحت‌عنوان خاک غریب نشان داده می‌شود. داستان بر رابطه میان روما، پسرش آکاش و پدرش متمرکز است و چندگانگی هویت را به شیوه‌های مختلفی در هر سه شخصیت به‌ویژه روما مطرح می‌سازد. پدر روما در طی سفرهای خود به اروپا، به دیدار روما و پسرش آکاش می‌رود. علی‌رغم سن بالا، وی به‌طور منظمی با استفاده از تورهای گروهی به کشورهای اروپایی سفر می‌کند. برایش، گردش و مسافرت کاملاً طبیعی و معمولی است. «دیروز در گالری اوفیتزی بودم. امروز پیاده‌روی به سمت دیگر رود آرنو. فردا برنامه‌ای برای سفر به سینا دارم» (خاک غریب، ۴۰۸: ۴). روما بیان می‌کند که پدرش در طول سال گذشته به فرانسه، هلند و اخیراً ایتالیا سفر کرده و در طی این

^۱Ruma

^۲Akash

^۳Uffizi Gallery

^۴Arno

^۵Siena

سفرها، به دیدار او و پسرش آکاش آمده است. روما لحظه‌ی ورود پدرش را این‌گونه توصیف می‌کند:

کلاه بیسبالی با نوشته "پمپئی" بر سر داشت، شلوار پنبه‌ای قهوه‌ای، پیراهن پولو آسمانی رنگ و یک جفت کفش کتانی سفید به پا کرده بود. روما متوجه شد که در سن پیری، پدرش شباهت زیادی به یک آمریکایی پیدا کرده است. با موهای خاکستری و پوست روشن، او می‌توانست تقریباً از هر جایی باشد (۱۱).

این توصیف نشان‌دهنده‌ی تأثیر فرهنگ آمریکایی بر هویت پدر روما است. کلاه بیسبالی، که نمادی از فرهنگ ورزش و تفریح در ایالات متحده است، به نوعی نشان‌دهنده‌ی همسان‌سازی در جامعه‌ی آمریکایی است. شلوار پنبه‌ای و پیراهن پولو نیز به سادگی و راحتی سبک زندگی آمریکایی اشاره دارند. روما با مشاهده‌ی این تغییرات، احساس می‌کند که پدرش دیگر آن مردی نیست که او در کودکی می‌شناخت. این تغییر در ظاهر، بیانگر این است که انسان‌ها تحت تأثیر فرهنگ‌های جدید قرار می‌گیرند و به نوعی هویت جدیدی را برای خود می‌سازند. این چندگانگی هویت در چهره و لباس پدر روما نمود یافته بود. از یک سو، لباس و کلاهش نشانگر ریشه‌های اروپایی و تمدن قدیمی بود، اما از سوی دیگر، چهره‌ی او، وی را به‌عنوان یک آمریکایی معرفی می‌کرد. این تلفیق هویت‌های متنوع، حکایت از چندگانگی فرهنگی پدر روما داشت.

به هنگام ورود به خانه، پدر روما کفش‌هایش را درآورد. «چرا کفش‌هایش را درمی‌آورد؟» آکاش از روما پرسید. او به این شکل راحت‌تر است، روما پاسخ داد: «این صحنه نشانگر چندگانگی هویت روما است. از یک سو، درآوردن کفش در خانه بخشی از فرهنگ بنگالی است که روما در دوران کودکی با آن بزرگ شده، اما در پاسخ به آکاش، روما این عادت را تنها به راحتی پدرش نسبت می‌دهد، بدون اینکه

^۱ Pompeii

بر پیشینه‌های فرهنگی تأکید کند. این تضاد میان گفتار درونی و بیرونی روما، بازتابی از چندگانگی هویت اوست. هال اذعان می‌دارد که «هویت نه تنها مربوط به "بودن" است، بلکه به همان اندازه مربوط به "شدن" نیز هست. هویت به گذشته و آینده تعلق دارد. هویت چیزی نیست که از قبل وجود داشته و فراتر از مکان، زمان، تاریخ و فرهنگ باشد» (۲۲۵). در طول داستان، هویت پیچیده و چندلایه روما آشکار می‌شود. وی با چالش انتخاب بین دو مجموعه متفاوت ارزش‌ها روبروست: فردگرایی و استقلال آمریکایی در یک سو، و جمع‌گرایی و وابستگی متقابل هندی در سوی دیگر. این انتخاب در مورد نقل مکان پدر روما به خانه او تبلور می‌یابد. روما گرفتار این تردید است که آیا باید از پدرش بخواهد به خانه او نقل مکان کند یا نه. لاهیری برای برجسته‌سازی این احساس گرفتاری روما می‌نویسد که او «می‌دانست پدرش نیازی به مراقبت ندارد، اما همین امر باعث می‌شد او احساس گناه کند؛ در هند، پیشنهاد نقل مکان پدر به خانه او هرگز مطرح نمی‌شد» (۶). این تردید روما در رویارویی با این دو مجموعه متضاد ارزش‌ها، نشان‌دهنده چندگانگی و پیچیدگی هویت اوست. وی به‌طور هم‌زمان با هویت هندی و آمریکایی خود دست و پنجه نرم می‌کند و این مساله باعث ایجاد تشویش و سردرگمی در او شده‌است.

ازدواج روما با مردی سفیدپوست و پرورش فرزندانش در آمریکا باعث می‌شود تا با چالش‌های چندگانگی هویت درگیر شود. یکی دیگر از چالش‌های روما آشپزی می‌باشد. در حالی که مادرش همیشه غذاهای متنوعی آماده می‌کرد، روما می‌دانست که نباید خود را با مادرش مقایسه کند. گاهی وقتی مادرش می‌پرسید چه غذایی آماده کرده، باورش نمی‌شد و از پشت تلفن داد می‌زد: «همه‌ش همین؟» و در این مواقع روما می‌فهمید که «تجربه‌اش از همسر بودن چقدر با تجربه‌ی مادرش فرق دارد. مادر هیچ وقت دست از اصولش برنمی‌داشت» (۱۹). روما تمایلی برای زندگی با پدرش ندارد. وی خیلی کم به زبان بنگالی صحبت می‌کند و به فرزندانش هم

آموزش نمی‌دهد. علاوه بر این، غذا برایش به اندازه مادرش مهم نیست. با این حال، وی احساس می‌کند که باید این سنت‌ها را حفظ کند. این احساس موجب چالشی می‌شود که نمی‌داند چگونه آن را حل کند. روما از یک سو با چالش بین فرهنگ‌های مختلف رویاروست و از سوی دیگر فرهنگ اجدادیش را به طور کامل کنار نمی‌گذارد و اغلب به یاد می‌آورد که مادرش چگونه وی را بزرگ کرده بود. او به طور کامل خود را با شیوه زندگی آمریکایی‌اش نیز تطبیق نمی‌دهد. روما انتظار دارد پسرش آکاش را که در واقع نسل سوم بنگالی است با فرهنگ بنگالی بزرگ کند اما موفق نمی‌شود:

زمانی که آکاش کوچک بود، او توصیه‌های مادرش را پیروی می‌کرد تا به طعم غذاهای هندی علاقه‌مند شود و سعی کرد مرغ و سبزیجات را با دارچین طبخ کند و به هل و میخک... عادت دهد. علی‌رغم تلاش‌ها و توجهات راما برای بزرگ کردن پسرش با معیارهای فرهنگ بنگالی، آکاش در حال تبدیل شدن به کودک آمریکایی بود، امری که موجب نگرانی راما می‌شد. (۲۳)

آکاش نگرش بسیار متفاوتی دارد و از فرهنگ بنگالی بی‌اطلاع است. وی ترجیح می‌دهد غذاهای آمریکایی مانند ماکارونی و پنیر را به جای غذاهای هندی میل کند و حتی از خوردن غذا با دست به شیوهی مادرش و دادو امتناع می‌کرد. «از چهار ماه پیش، آکاش سر شام لب به چیزی غیر از ماکارونی و پنیر نزده بود. پدر به بشقاب آکاش اشاره کرد و به روما گفت: «اینا چیه می‌خری؟ همه‌شون مواد شیمیایی دارند» (۲۳). آکاش که بچه‌تر بود، به مزه‌ی غذاهای هندی عادت داشت، به تدریج و تحت تأثیر فرهنگ آمریکایی، به سمت مصرف غذاهای آماده بسته‌بندی شده گرایش پیدا کرد، حالا او فقط غذاهای سوپرمارکتی می‌خورد. «آکاش باز داشت از آن بچه آمریکایی‌هایی می‌شد که روما همیشه حواسش بود نشود؛ از آن‌هایی که مادر را هم می‌ترساندند و توی دلش را خالی می‌کردند: بد ادا و بد غذا» (۲۳). این نشان می‌دهد

^۱ Dadu (در زبان بنگالی برای پدر بزرگ بکار می‌رود)

که آکاش با تنوع فرهنگی روبرو بوده است. وی در دوران کودکی تحت تأثیر فرهنگ بنگالی قرار داشته، اما کم کم به سمت فرهنگ آمریکایی تمایل پیدا کرده است و در چالش با چندگانگی هویت می باشد.

پدر روما به یاد آورد که بچه های خودش هم شبیه آکاش بودند: «بچه ها هر چه بیشتر بزرگ می شدند، کمتر به نظر می رسید که به والدین خود شباهت داشته باشند، جور دیگری حرف می زدند، متفاوت لباس می پوشیدند، سر و وضعشان از هر لحاظ خارجی تر شده بود. از بافت موهایشان گرفته تا شکل پاها و دستانشان» (۵۴). هال و پل دوگی در کتاب «مسائل هویت فرهنگی» (۱۹۹۶) بر ماهیت همواره در حال تغییر هویت تمرکز می کنند. آن ها نشان می دهند که نیروهای تاریخی، اجتماعی، سیاسی و تعامل میان تأثیرات فرهنگی گوناگون، هویت فرهنگی را شکل می دهند. آن ها معتقدند که «هویت ها در گفتمان ها، رویه ها و موقعیت های متفاوت و اغلب متقاطع و متضاد ساخته می شوند» (۴). هال و دوگی نشان می دهند که چندگانگی هویت پدر روما، روما و پسرش آکاش تحت تأثیر تنش میان فرهنگ بنگالی خانواده و فرهنگ آمریکایی می باشد. آن ها نشان می دهند که هویت فرآیندی پیچیده و چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل مختلف شکل می گیرد و دائماً در حال تغییر است. این تحلیل کمک می کند تا چندگانگی هویت شخصیت ها در داستان ها بهتر درک شود.

۵. مهاجرت و فرصت های آن برای زندگی جدید

پیشرفت های اخیر در ارتباطات و فناوری، فرصت هایی را برای امکان برقراری ارتباطات و تعاملات نزدیک تر میان مهاجران فراهم کرده است. این فرصت ها، متأثر

از عواملی چون وضعیت اجتماعی-اقتصادی و میزان تحصیلات متفاوت هستند. پیتز برک در کتاب "ترکیب فرهنگی" می‌گوید که «فرآیند ترکیب هیبریدی هم به جهانی شدن اقتصادی کمک می‌کند و هم از آن کمک می‌گیرد» (۲). فرآیند شکل‌گیری هویت ترکیبی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زندگی مهاجران در سرزمین بیگانه مشاهده می‌شود. این فرآیند امکان برقراری ارتباطات فرامرزی را برای مهاجران فراهم کرده و زمینه را برای حفظ و تقویت چندگانگی هویت فراهم ساخته است. نقل قول ابتدایی از ناتانیل هاتورن در آغاز این مجموعه داستان، به خوبی ایده مهم فرصت‌های جدید برای رشد و توسعه انسان را بیان می‌کند. این نقل قول با فرصت‌هایی که در مجموعه داستان‌های خاک غریب لاهیری مورد بررسی قرار گرفته‌اند، ارتباط دارد.

در داستان‌های لاهیری، والدین هندی-آمریکایی اغلب آرزوها و انتظارات بلندپروازانه‌ای برای موفقیت تحصیلی و حرفه‌ای فرزندان خود دارند. همانند هاتورن که آرزوهای بزرگی برای فرزندان خویش داشته و امیدوار بوده آن‌ها به مشاغل موفق دست یابند. تجربه مهاجرت اغلب شامل میل به ترقی و زندگی بهتر برای فرزندان است که در قالب انتظارات و فشارهای زیادی بر آن‌ها نمایان می‌شود. لاهیری به بررسی پیچیدگی‌های هویت مهاجرتی می‌پردازد و به فرصت‌ها و چشم‌اندازهای جدیدی که مهاجران با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند، توجه می‌کند. این ایده هاتورن که طبیعت انسان، نمی‌تواند در خاکی که به طور مداوم فرسوده می‌شود، به خوبی رشد کند، با این مباحث هم‌خوانی دارد.

شخصیت‌ها اغلب در تلاش برای کسب تعادل میان پیشینه‌های فرهنگی خود و واقعیت‌های جدید زندگی‌شان هستند. این مجموعه داستان، نمایانگر قدرت دگرگون‌کننده مهاجرت و فرصت‌هایی است که برای رشد شخصی فراهم می‌آید.

لاهیری نشان می‌دهد که چگونه طبیعت انسانی با قرارگیری در خاک غریب، به شکوفایی می‌رسد. شخصیت‌ها تحصیلات عالی دارند، در حرفه‌شان درخشانند و هر کدام به نوعی غربت را فرصتی موثر در زندگی می‌بینند.

داستان‌ها به تعامل میان فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف می‌پردازند. شخصیت‌ها دارای میراث فرهنگی ترکیبی از بنگالی و انگلیسی هستند که تحت تأثیر چندین فرهنگ قرار دارند. این ترسیم از فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف، بازتابی از فرصت‌هایی است که در اختیار مهاجران قرار دارد. آن‌ها در میان چندین زبان، سنت و شیوه‌های فرهنگی متنوع زندگی می‌کنند و در حال حرکت و تعامل هستند. لاهیری نشان می‌دهد که چگونه مهاجران با برخورداری از چنین میراث فرهنگی گوناگون، قادر به ایجاد هویت‌های چندگانه می‌شوند، آن‌ها همچنین از فرصت‌هایی مثل خانه، شغل با درآمد خوب و مناسب و خانواده چندفرهنگی (هندی-آمریکایی) و از همه مهمتر از حقوق شهروندی بهره‌مند می‌شوند. در داستان "جهنم-بهشت"، اوشا شخصیت اصلی به پیامد مثبت چندگانگی هویت اشاره می‌کند:

من و مادرم باهم کنارآمده بودیم؛ این واقعیت را قبول کرده بود که من، هم دختر او هستم، هم یکی از فرزندان آمریکا. آهسته آهسته رضایت داد دوستان آمریکایی پیدا کنم. از دوست‌هام در خانه پذیرایی می‌کرد، و وقتی دوستی را از دست می‌دادم، به من می‌گفت دوست بهتری پیدا خواهم کرد. سر پنجاه سالگی هم، بعد از سال‌ها دست روی دست گذاشتن، تصمیم گرفت در دانشگاه نزدیک خانه، علوم کتابداری بخواند و مدرک بگیرد. (۸۱-۸۲)

زمانی که مادر اوشا این واقعیت را پذیرفت و درک کرد که دخترش دو هویت دارد که به‌طور هماهنگ با هم زندگی می‌کنند، رابطه مادر-دختر بازسازی شد. این نشان

¹Hell-Heaven

²Usha

می‌دهد که پذیرش و درک متقابل دو هویت متفاوت در فردی هندی-آمریکایی، به برقراری ارتباط و همزیستی آرام میان آن‌ها منجر می‌شود. لاهیری نشان می‌دهد که چگونه آشتی و سازگاری میان هویت‌های چندگانه به بازسازی روابط خانوادگی و اجتماعی کمک می‌کند و بر اهمیت درک و پذیرش چندگانگی هویت در جوامع چندفرهنگی تأکید می‌کند. چنین پذیرشی نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطح اجتماعی نیز به تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز میان گروه‌های مختلف منجر می‌شود. تحصیلات عالی و مشاغل خوب برای اغلب شخصیت‌ها حائز اهمیت است زیرا معمولاً منجر به کسب مدرک دانشگاهی و مشاغل حرفه‌ای متعدد می‌شود. به-عنوان مثال، خود لاهیری دارای سه مدرک کارشناسی ارشد و دکتری است که نشان می‌دهد زندگی آکادمیک و حرفه‌ای برای مهاجر هندی-آمریکایی بسیار مهم و اساسی است. داستان "خوبی محض" نشان می‌دهد که والدین سودا از خانواده‌های مرفه در هند نبودند. بنابراین فرصت و موفقیت زندگی آکادمیک و کاری در آمریکا برای آنها مهم است. سودا به انتظارات والدین خود عمل می‌کند و یک هندی-آمریکایی موفق با تحصیلات و شغل خوب می‌شود، همچنین همسرش هم تحصیلات عالی و شغل خوبی دارد. وقتی سودا در دانشگاه پنسیلوانیا پذیرفته شد، والدین او با بیان «وظیفه ما تمام شد» (۱۲۹)، نشان دادند که وظایف خود را برای موفقیت سودا در دانشگاه انجام داده‌اند. والدین سودا بر انتخاب رشته‌های دانشگاهی که منجر به مشاغل پردرآمد می‌شود، تأکید دارند. آنها می‌دانند که در رشته‌های علم و فناوری دستمزد بالاتری نسبت به سایر رشته‌ها پرداخت می‌شود. سودا با تحصیل در رشته‌های اقتصاد و ریاضی والدین خود را خوشحال می‌کند.

داستان زندگی سودا با بحث رایان در مورد هویت همخوانی دارد. رایان بیان می‌دارد که «هویت‌های ما سیال و چندگانه شده‌است و دیگر به یک مدل فرهنگی

^۱Only Goodness

^۲Sudha

واحد و محلی محدود نیست. هویت‌های ما دیگر با سنت‌های فرهنگی قومی و محدود شده ارتباط ندارند. ما درگیر سنت‌های فرهنگی زیادی هستیم و دیگر فقط در داخل گروه قومی خود ازدواج نمی‌کنیم و فرزندان خود را در یک سنت فرهنگی قومی خاص بزرگ نمی‌کنیم» (۱۸). سودا به خاطر می‌آورد که والدینش «همواره او را با سایر کودکان بنگالی مقایسه می‌کردند و درباره موفقیت‌های تحصیلی و علمی دیگران به او می‌گفتند. این شامل کسب مدال‌های طلا در نمایشگاه‌های علمی و دریافت بورس تحصیلی کامل از دانشگاه‌ها بود» (۱۲۹-۱۳۰). سودا «کوشش می‌کرد تا جایگاه خود را در لیست افتخار حفظ کند و آرزو می‌کرد دانشجویی باشد که نطق افتتاحیه جشن فارغ‌التحصیلی را ادا می‌کند» (۱۳۰). وی همواره سعی می‌کرد تا در بهترین جایگاه تحصیلی قرار گیرد و به این ترتیب انتظارات خانواده و جامعه را برآورده کند.

پدر سودا همواره به فرزندانش یادآوری می‌کرد که او چقدر سخت تلاش کرده تا به جایگاه کنونی خود برسد. «او هرگز نگذاشته است که فرزندانش فراموش کنند که هیچکس به او کمک نکرده همان‌طور که او به فرزندانش کمک می‌کند. بنابراین، صرف نظر از اینکه سودا تا چه اندازه موفق بوده، او احساس می‌کرده که موفقیت‌هایش به او هدیه داده شده است، نه اینکه از طریق تلاش خودش به دست آورده باشد» (۱۴۰) در جامعه هندی-آمریکایی، حرفه و شغل نماد مهمی از فرصت خوب و موفقیت محسوب می‌شوند. در این زمینه، سودا باعث افتخار والدینش شده است. «سودا حالا جزو همین فرزندان موفق بود و کلکسیون قاب‌های مدارک عالی‌اش را هر دو طبقه‌ی بالای خانده‌ی پدر و مادر را یکی پس از دیگری پر می‌کرد. سودا به‌عنوان مدیر پروژه برای سازمانی در لندن کار می‌کرد که برای حمایت از کشورهای فقیر، وام‌های کلان تأمین می‌کرد و سخنگوی این سازمان هم بود» (۱۵۱). سودا عاشق مردانگلیسی

به نام راجر می‌شود که «چهارده سال از سودا بزرگتر است» (۱۵۲)، دکترای تاریخ هنر دارد، سردبیر مجله هنری است و توانایی تأمین زندگی راحتی برای سودا را دارد. راجر بسیاری از خواسته‌هایی را که شاید والدین سودا برای همسر دخترشان داشته باشند، برآورده می‌کند.

داستان‌های سه‌گانه "هما و کاشیک" روایت‌گر زندگی دو خانواده است که به دلیل فرهنگ مشابه، روابط نزدیکی دارند و سرنوشتشان به هم گره خورده است. این داستان از کودکی دو شخصیت اصلی هما و کاشیک، آغاز و تا بیست سال بعد ادامه می‌یابد. روایت این داستان خطی و یکنواخت نیست و زمان آن به گذشته، حال و آینده در تغییر است. داستان سه‌گانه شامل "اولین بار و آخرین بار"، "آخر سال" و "رفتن به ساحل" است که به ترتیب وقایع و تجربیات زندگی آن‌ها را دربر می‌گیرد. قسمت پایانی به ملاقات تصادفی کاشیک با هما و اثرات آن در روند چندگانگی هویت پارول، مادر کاشیک، می‌پردازد.^۵

مادر هما، شیبانی، درگیر کارهای خانه است، اما مادر کاشیک، پارول، به طبخ غذا، شست و شو و نظافت خانه عادت ندارد. پارول به نوشیدن، گپ زدن و سیگار کشیدن و پوشیدن لباس غربی علاقه دارد. واضح است که پارول پس از مهاجرت و تجربه زندگی در فضاهای فرهنگی جدید، سبک زندگی خود را تغییر داده است. وی نوعی زن مدرن هندی-آمریکایی است. هنگامی که هما پارول را در حین سیگار کشیدن می‌بیند، لبخند می‌زند و می‌گوید: «یک سیگار در روز نمی‌تواند مرا بکشد، مگر نه؟ (۲۴۴). این موارد نشان می‌دهند که پارول از قید و بندهای فرهنگی و اجتماعی رها شده و توانسته است هویت چندگانه خود را بیابد و به شکوفایی برساند.

^۱ Roger

^۲ Once in a Lifetime

^۳ Year's End

^۴ Going Ashore

^۵ Parul

^۶ Shibani

وی فردی آزاداندیش و مستقل است که با نگرش سنتی جامعه در تضاد است. این چندگانگی هویت او را قادر ساخته است تا فردیت خود را بدون محدودیت‌های جغرافیایی و اجتماعی به نمایش بگذارد. «مهاجران به طور آرام و محسوس در حال انطباق و سازگاری با زندگی روزمره آمریکا بوده‌اند» (عالم، ۲۰۰۷: ۳۶۸). آن‌ها در محیط‌های جدید و با دسترسی به فرصت‌های متنوع، هویت و شخصیت خود را بازتعریف می‌کنند و دچار تغییرات قابل ملاحظه‌ای می‌شوند.

۶- نتیجه گیری

در عصر جهانی شدن و تحولات اجتماعی-فرهنگی، مفهوم هویت به طور فزاینده‌ای پیچیده شده و چندگانگی هویت به یکی از موضوعات مهم در ادبیات دیاسپورایی تبدیل شده است. این مطالعه نشان می‌دهد که لاهیری به خوبی چالش‌ها و فرصت‌های مهاجرت و تأثیر آن بر هویت را به تصویر کشیده است. مهاجرت باعث ایجاد تش‌های هویتی و فرهنگی در شخصیت‌ها می‌شود، اما در عین حال، فرصت‌های جدیدی را برای آن‌ها فراهم می‌آورد. شخصیت‌های داستان با حضور در محیط جدید و جامعه میزبان، امکان دستیابی به فرصت‌های آموزشی، شغلی و اقتصادی بیشتری را پیدا می‌کنند و زندگی جدیدی را برای خود رقم می‌زنند. اما آن‌ها با چندگانگی فرهنگی و تنش‌های هویتی دست و پنجه نرم می‌کنند. از یک سو، پایبند به میراث فرهنگی خود هستند و از سوی دیگر، ناچار به سازگاری با فرهنگ جدید و هنجارهای غربی هستند. این تعارض و تناقض گاهی موجب ایجاد چالش‌های روانی و اجتماعی برای شخصیت‌های داستان می‌شود. داستان‌سرایی زنده و شخصیت‌پردازی‌های لاهیری باعث می‌شود که داستان‌ها صرفاً بازتابی از زندگی افراد بنگالی نباشند. وی شخصیت‌هایی را به تصویر می‌کشد که بین هند و ایالات متحده، شهرهای مختلف آمریکا و حتی سایر نقاط جهان در حرکت هستند. این

مطالعه نشان می‌دهد که لاهیری به خوبی چالش‌ها و فرصت‌های مهاجرت و تأثیر آن بر هویت افراد را به تصویر می‌کشد. شخصیت‌های او همواره در تلاش برای کشف ریشه‌های خود و ایجاد حس تعلق در محیط چندفرهنگی هستند. در نتیجه، این تحقیق نشان می‌دهد که توجه به چالش‌ها و فرصت‌های چندگانگی هویت در مهاجرت امری ضروری و اساسی برای جوامع جهانی است تا به طور موثرتری به مدیریت و حل این چالش‌ها پردازند و از فرصت‌های موجود بهره ببرند. خاک غریب لاهیری کاوش عمیقی در مورد چندگانگی هویت در دنیای جهانی شده ارائه می‌کند و به درک بهتر این موضوع در جوامع چندفرهنگی کمک می‌نماید.

منابع

بهمن‌پور، بهاره؛ نجمیان، امیرعلی. (۱۳۹۶). «روایتی شبیح زده: بازنمایی روان زخم مهاجرت در سه‌گانه «هما و کاشیک» از مجموعه داستانی خاک غریب اثر جومپا لاهیری». نقد زبان و ادبیات خارجی، ۱۴ (۱۹) ۷۷-۹۷.

لاهییری، جومپا. (۱۳۸۷). خاک غریب. ترجمه‌ی امیر مهدی حقیقت. تهران: نشر ماهی.

ورزنده، امید؛ ابرهیمی، سیدرضا. (۱۳۹۱). «مقایسه تطبیقی شکل‌گیری هویت تراملی زن شرقی مهاجر در آثار جومپا لاهیری و مهرنوش مزارعی از دیدگاه هومی بابا». فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج - شماره ۱۱/ سال چهارم. ۱۸۹-۱۵۹.

References

Akhter, A. F. M. Maswood. (2011) “‘My Children ... Shall Strike Their Roots into Unaccustomed Earth’: Representation of Diasporic Bengalis in Jhumpa Lahiri’s Latest Collection of

- Stories.” *The Sri Lanka Journal of the Humanities*, vol. 37, no. 1–2, pp. 97–118.
- Alam, Fakrul. (2007) *Imperial Entanglements and Literature in English*. Dhaka: Writers. Ink.
- Bahmanpour, Bahareh and Amir Ali Nojumian. (2007) “A Haunted Narrative: Signifying Trauma of Displacement in Lahiri’s Trilogy of ‘Hema and Kaushik’ in her Unaccustomed Earth.” *Critical Language and Literary Studies*, Vol. 14, No. 19, pp. 87–97.
- Barker, Chris. (2004). *The Sage Dictionary of Cultural Studies*. London: Sage.
- Burke, Peter. (2009). *Cultural Hybridity*. Cambridge: Polity Press.
- Caruth, Cathy. (1996) *Unclaimed Experience: Trauma, Narrative, and History*. Baltimore: John Hopkins UP.
- Cheung, Floyd, and Lavina Dhingra. (2012) “What Lies Beneath: Lahiri’s Brand of Desirable Difference in Unaccustomed Earth.” *Naming Jhumpa Lahiri: Canons and Controversies*.
- Dhingra, Lavina, and Floyd Cheung (eds). (2012). *Naming Jhumpa Lahiri: Canons and Controversies*. Lanham: Lexington Books.
- Joshi, Pooja. (2016). “How Many Voices Here? A Study of the Fictional Works of Jhumpa Lahiri.” *International Journal of Multifaceted and Multilingual Studies*, Vol. 3, No. 7, pp. 2–10.
- Hall, Stuart. (1990). “Cultural Identity and Diaspora.” Edited by J. Rutherford. *Identity: Community, Culture, Difference*, London. Lawrence and Wishart, pp. 222–37.
- . (1996b) Race, the floating signifier. Public lecture at Goldsmiths College. *Transcript made available by the Media Education Foundation*. Available at: <https://www.mediaed.org/transcripts/Stuart-Hall-Race-the-Floating-Signifier-Transcript.pdf>
- . (1999). “Thinking the Diaspora: Home-Thoughts from Abroad.” *Small Axe*, vol. 3, no. 6, pp. 1–18.

- . (1996). "Who Needs Identity?" *Questions of Cultural Identity*. Edited by Stuart Hall and du Gay, London: Sage Publications, pp. 1-17.
- Hawthorne, Nathaniel. (2008). *The Scarlet Letter*. Rockville: Tark Classic Fiction.
- Laddha, Ekta. (2021). "A Diasporic Study of Isolated Identities in Jhumpa Lahiri's *Unaccustomed Earth*." *Journal of Emerging Technologies and Innovative Research (JETIR)*, Vol. 8, No. 8, pp. 404-413. www.jetir.org (ISSN-2349-5162)
- Lahiri, Jhumpa. (2008) *Unaccustomed Earth*. New York and Toronto: Alfred A. Knopf, 2008.
- Marques, Carine Pereira. (2013) "Unaccustomed Narratives: Crossing Gender Barriers in the Fiction of Jhumpa Lahiri." Ph.D. Diss. University of Minas Gerais.
- Ryan, Michael. (2010). *Cultural Studies: A Practical Introduction*. West Sussex: Willey-Blackwell.
- Sarah E. Gaither. (2018). "The Multiplicity of Belonging: Pushing Identity Research Beyond Binary Thinking." *Self and Identity*. 17:4, 443-454.
- <https://doi.org/10.1080/15298868.2017.1412343>
- Terzieva-Artemis, Rosa. (2015). "Identity and Globalization in Jhumpa Lahiri's *Unaccustomed Earth*." *American Short Story*, pp. 175–187.
- Trousdale, Rachel. (2010). *Nabokov, Rushdie, and the Transnational Imagination: Novels of Exile and Alternate Worlds*, New York: Palgrave.
- Varzandeh, Omid & Ebrahimi, S. Reza. (2012). "A Comparative Study of the Formation of the Transnational Identity of the Migrant Eastern Woman in the Works of Jhumpa Lahiri and Mehrnush Mazarei from the Perspective of Homi Baba." *Quarterly Journal of Persian Language and Literature - Islamic Azad University, Sanandaj Branch*, 4(11).
- Vertovec, Steven. (1999). "Conceiving and Researching Transnationalism." *Ethnic and Racial Studies*, Vol. 22, No. 2, pp. 447-462.

Multiplicity of Identity: Challenges and Opportunities of Immigration in Jhumpa Lahiri's *Unaccustomed Earth*

Faranak Shahmoradi

١. Ph.D. Candidate of English Literature, Department of English Language and Literature, Islamic Azad University, Borujerd Branch, Borujerd, Iran. E-mail: faranak_shahmoradi@yahoo.com

Bahman Zarrinjooee (Corresponding Author)

٢. Assistant Professor, Department of English Language and Literature, Islamic Azad University, Borujerd Branch, Borujerd, Iran. E-mail: bzarrinjooee@yahoo.com

Leila Baradaran Jamili

٣. Assistant Professor, Department of English Language and Literature, Islamic Azad University, Borujerd Branch, Borujerd, Iran. E-mail: lbjamili@yahoo.com

Abstract

The era of globalization, transnationalism, and socio-cultural transformations has caused the emergence of multiple identities in 21st-century diasporic literature. The concept of identity, with its inherent complexities and subtleties, has always been a subject of research and exploration in cultural studies. Jhumpa Lahiri, a prominent voice of multiple Indian-American identities, explores the notion of identity in her second short story collection, "*Unaccustomed Earth*" (2008), where she examines the challenges faced by individuals caught between the challenges of culture, family, and society. This paper, using the theoretical

perspectives of Stuart Hall and Michael Ryan, investigates the experience of multiple identities in Lahiri's "*Unaccustomed Earth*." Through a close analysis of some narratives, it elucidates the complex interplay between the characters' backgrounds, new cultural environments, and their sense of complexity. The study examines the role of Lahiri's characters in navigating the tensions between their Bengali cultural heritage and the norms of Western culture. On the other hand, migration can provide opportunities for a fresh start, education, and economic improvement, but it also brings its own set of challenges. This research aims to identify these challenges and opportunities, the domains in which they occur, and how Lahiri has portrayed them. The findings of this study can assist readers in understanding how multiple identities entail both challenges and opportunities in the context of migration, which is a critical consideration for global communities.

Keywords: Multiplicity of Identity, *Unaccustomed Earth*, Challenge, Opportunity, Jhumpa *Lahiri*, Immigration